

۱۴۹- در روز عرفه در عرفات یا کربلا

شیخ مفید رحمته الله علیه گوید: هرگاه در روز عرفه در حرم امام حسین علیه السلام بودی، یا در صحرای عرفات، یا در هر جایی بوده باشی از شهرها، پس قبل از زوال غسل کن، و قرار گیر در زیر آسمان و بخوان این دعا را:

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الدَّائِبُ فِي غَيْرِ وَصَبٍ وَلَا نَصَبٍ، وَلَا تَشْغَلَكَ رَحْمَتُكَ عَنْ عَذَابِكَ، وَلَا عَذَابُكَ عَنْ رَحْمَتِكَ، خَفِيَتْ مِنْ غَيْرِ مَوْتٍ، وَظَهَرَتْ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَتَقَدَّسَتْ فِي عُلُوكَ، وَتَرَدَّدَتْ بِالْكَبْرِيَاءِ فِي الْأَرْضِ وَفِي السَّمَاءِ، وَقَوِيَتْ فِي سُلْطَانِكَ، وَدَنَوَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِكَ، وَخَلَقْتَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِكَ، وَقَدَّرْتَ الْأُمُورَ بِعِلْمِكَ، وَقَسَّمْتَ الْأَرْزَاقَ بِعَدْلِكَ، وَنَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ عِلْمُكَ،

خداوندا، تو همان خدایی هستی که پروردگار جهانیانی، تو همان خدای رحمت گر و مهربانی، تو همان خدای جاودانه‌ای بی آن که بیمار و یا خسته و رنجور گردی و رحمتت تو را از کيفرت و کيفرت تو را از عذابت به خود، مشغول نمی‌کند، پنهانی بی آنکه بمیری، و آشکاری آن چنان که هیچ چیز برتر از تو نیست و در بلندپایگی‌ات پاک و مقدسی و در آسمان و زمین لباس بزرگمنشی را به تن کرده و در تسلط توانایی و در عین بلندی به هر چیز نزدیکی. آفریده‌ها را به قدرت خویش آفریدی و امور را به دانش خود مقدر نمودی و روزی‌ها را به عدل و داد تقسیم کردی و آگاهی‌ات در هر چیز رخنه کرد،

وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ دُونَكَ، وَقَصَرَ دُونَكَ طَرْفُ كُلِّ طَارِفٍ، وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَاتِكَ، وَعَشِيَ بَصَرَ كُلِّ نَاطِرٍ نُورَكَ، وَمَلَأَتْ بِعَظَمَتِكَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ، وَابْتَدَأْتَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ نَظَرْتَ إِلَيْهِ مِنْ أَحَدٍ سَبَقَكَ إِلَى صُنْعَةِ شَيْءٍ مِنْهُ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي خَلْقِكَ، وَلَمْ تَسْتَعِنْ بِأَحَدٍ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ وَلَطْفَتْ فِي عَظَمَتِكَ وَأَنْقَادَ لِعَظَمَتِكَ كُلِّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لِعِزَّتِكَ كُلِّ شَيْءٍ، أَتْنِي عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي، وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ فِي مَدْحِكَ ثَنَائِي مَعَ قِلَّةِ عِلْمِي وَقِصْرِ رَأْيِي.

و چشم‌ها از دیدن تو سرگشته شدند و دیده هر بیننده‌ای در برابر تو کم‌سو و زبان‌ها از توصیف تو لال گردیدند و نور تو دیده همه نگرندگان را پوشید و پایه‌های عرش را با عظمتت آکنده نمودی و آفریده‌ها را، نه از روی نمونه‌هایی که کسی پیش از تو ساخته باشد و تو بدان نگریسته باشی، پدید آوردی و هیچ کس در آفرینش شریک تو نبود و از هیچ کس در امرت کمک نگرفتی، تو در عین عظمت لطیف هستی و همه اشیا در برابر بزرگی و عزتت خوار و سرافکننده است، و هر چیزی در برابر عزتت فروتنی کرد، ای سرور من، تو را می‌ستایم، ولی با وجود اندکی عمل و نارسایی نظر و دیدگاه من، ستایش من در برابر مدح و ثنای تو چه ارزشی دارد؟

وَأَنْتَ يَا رَبَّ الْخَالِقِ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ، وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْخَاطِئُ، وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَأَنَا خَلْقُ أَمْوَتٍ. يَا مَنْ خَلَقَ

الْخَلْقَ وَدَبَّرَ الْأُمُورَ فَلَمْ يُقَاسِ شَيْئًا بِشَيْءٍ مِنْ خَلْقِهِ، وَكَمْ يَسْتَعِينُ عَلَى خَلْقِهِ بِغَيْرِهِ، ثُمَّ أَمْضَى الْأُمُورَ عَلَى قَضَائِهِ وَأَجَلَهَا إِلَى أَجَلٍ قَضَى فِيهَا بَعْدَلَهُ، وَعَدَلَ فِيهَا بِفَضْلِهِ، وَقَصَلَ فِيهَا بِحُكْمِهِ، وَحَكَمَ فِيهَا بَعْدَلَهُ، وَعَلِمَهَا بِحِفْظِهِ، ثُمَّ جَعَلَ مُنْتَهَاهَا إِلَى مَشِيئَتِهِ، وَمُسْتَقَرَّهَا إِلَى مَحَبَّتِهِ، وَمَوَاقِيتَهَا إِلَى قَضَائِهِ.

در حالی که ای پروردگار من، تو آفریننده‌ای و من آفریده و تو مالکی و من مملوک و تو پروردگار و من بنده و تو بی‌نیازی و من نیازمند و تو عطاکننده‌ای و من درخواست‌کننده و تو بسیار آمرزنده‌ای و من خطاکار و تو زنده‌ای هستی که هرگز نمی‌میری و من آفریده‌ای هستم که خواهم مرد. ای خدایی که خلق را آفریدی و امور آن‌ها را تدبیر و کارسازی نمودی و هیچ‌یک از آفریده‌هایت را با دیگری نسنجیدی و از کس دیگر برای آفرینش کمک نگرفتی، سپس امور را براساس سرنوشت حتمی‌ات امضا کرده و سرآمد مشخص برای آن‌ها قرار داده‌ای. امور را به عدل و داد به صورت حتمی مقرر نمودی و با تفضل و بخشش در آن‌ها دادگستری کرده و با فرمانت آن‌ها را از یکدیگر جدا ساخته و فیصله دادی و با عدالت در آن‌ها حکم رانده و با حفظ و نگاه‌داری خود، از آن‌ها آگاه شدی، آن‌گاه منتهای امور را به سوی خواست خود و جایگاه استقرارش را به سوی محبت و وعده‌گاه‌های آن‌ها را به سوی سرنوشت حتمی‌ات رهسپار ساختی.

لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ، وَلَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، وَلَا مُسْتَزَاحَ عَنْ أَمْرِهِ، وَلَا مَحِيصَ لِقَدْرِهِ، وَلَا خُلْفَ لِعُودِهِ، وَلَا مُتَخَلِّفَ عَنْ دَعْوَتِهِ، وَلَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ طَلَبَهُ، وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْهُ أَحَدٌ أَرَادَهُ، وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ شَيْءٌ فَعَلَهُ، وَلَا يَكْبُرُ عَلَيْهِ شَيْءٌ صَنَعَهُ، وَلَا يَزِيدُ فِي سُلْطَانِهِ طَاعَةٌ مُطِيعٍ،

هیچ‌کس نمی‌تواند سخنان او را تغییر دهد، یا فرمانش را به تأخیر اندازد، یا سرنوشت حتمی‌اش را برگرداند و هیچ جایی برای رهایی از فرمان او و هیچ گریزی از مقدرات او نیست و هرگز خلف وعده ننموده و دعوتش غیر قابل تخلف است و هر چیز را که بخواهد [بدان می‌رسد و آن چیز] نمی‌تواند او را ناتوان سازد و هر کس را اراده کند قدرت سرپیچی ندارد و انجام هیچ چیز بر او سخت، و ساختن هیچ چیز بر او بزرگ و سنگین نیست و اطاعت اطاعت‌کنندگان بر فرمانروایی او نمی‌افزاید،

وَلَا تَنْقُصُهُ مَعْصِيَةُ عَاصٍ، وَلَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيْهِ، وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا، الَّذِي مَلَكَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِهِ، وَاسْتَعْبَدَ الْأَرْيَابَ بِعِزِّهِ، وَسَادَ الْعُظَمَاءَ بِجُودِهِ، وَعَلَا السَّادَةَ بِمَجْدِهِ، وَأَنْهَدَتِ الْمُلُوكَ لِهَيْبَتِهِ، وَعَلَا أَهْلَ السُّلْطَانِ بِسُلْطَانِهِ وَرُبُوبِيَّتِهِ، وَأَبَادَ الْجَبَابِرَةَ بِقَهْرِهِ، وَأَذَلَّ الْعُظَمَاءَ بِعِزِّهِ، وَأَسَّسَ الْأُمُورَ بِقُدْرَتِهِ، وَبَنَى الْمَعَالِيَ بِسُودَدِهِ، وَتَمَجَّدَ بِفَخْرِهِ، وَفَخَّرَ بِعِزِّهِ، وَعَزَّ بِجَبْرُوتِهِ، وَوَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِهِ.

و نافرمانی گناه کاران از سلطه او نمی‌کاهد و سخن او تغییر نمی‌کند و هیچ کس را در فرمانروایی شریک خود نمی‌گرداند، خدایی که با قدرت خویش پادشاهان را در اختیار درآورده و با عزتش پروردگان را به بندگی کشیده و به جود خویش بر بزرگان سروری یافته و به بلندپایگی‌اش بر سروران سرآمده و شکوه همه پادشاهان در برابر بیم و شکوه او فروریخته است و با سلطه و پروردگاری خویش بر همه تسلط جویان برتری یافته و با قهر و غلبه‌اش سرکشان را نابود ساخته و با سربلندی‌اش بزرگان را خوار ساخته و با قدرت خویش امور را بنیان نهاده و با سروری خود بر همه والایی‌ها سرآمده و به بالندگی‌اش بلندی یافته، و به سربلندی‌اش بالیده و به شکوه‌اش سربلند است و رحمتش همه چیز را فراگرفته است.

إِيَّاكَ أَدْعُو، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ، وَمِنْكَ أَطْلُبُ، وَإِلَيْكَ أَرْغَبُ، يَا غَايَةَ الْمُسْتَضْعِفِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرَجِينَ، وَمُعْتَمَدَ الْمُضْطَهَدِينَ، وَمُنْجَى الْمُؤْمِنِينَ، وَمُثِيبَ الصَّابِرِينَ، وَعِصْمَةَ الصَّالِحِينَ، وَحِرْزَ الْعَارِفِينَ، وَأَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَظَهْرَ اللَّاجِينَ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَطَالِبَ الْغَادِرِينَ، وَمُدْرِكَ الْهَارِبِينَ، وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَخَيْرَ النَّاصِرِينَ، وَخَيْرَ الْفَاصِلِينَ، وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ.

تنها تو را می‌خوانم و از تو درخواست می‌کنم و از تو می‌طلبم و به تو می‌گرایم، ای منتهای خواسته ناتوانان، ای فریادرس فریادخواهان و ای تکیه‌گاه ستمدیدگان و نجات‌دهنده مؤمنان و پاداش‌دهنده به شکیبایان و نگاه‌دارنده شایستگان و پناهگاه عارفان و ایمنی‌بخش هراسناکان، و پشتوانه پناه آورندگان، و یاور و همسایه پناه جویان، و طلب‌کننده خیانتکاران، و دریابنده گریختگان، و مهربان‌ترین مهربانان، و بهترین یاوران، و برترین حکمرانان، و بهترین آمرزندگان، و دادرس‌ترین داوران، و سریع‌ترین حساب‌بران.

لَا يَمْتَنِعُ مِنْ بَطْشِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَنْتَصِرُ مِنْ عَاقِبِهِ، وَلَا يُحْتَالُ لِكَيْدِهِ، وَلَا يُدْرِكُ عِلْمَهُ، وَلَا يُدْرَأُ مُلْكُهُ، وَلَا يُفْهَرُ عِزُّهُ، وَلَا يُذَلُّ اسْتِكْبَارُهُ، وَلَا يُبْلَغُ جَبْرُوتُهُ، وَلَا تَصْعَرُ عَظَمَتُهُ، وَلَا يَضْمَحِلُّ فَخْرُهُ، وَلَا يَتَضَعُّعُ رُكْنُهُ وَلَا تُرَامُ قُوَّتُهُ، الْمُحْصَى لِبِرِّيَّتِهِ، الْحَافِظُ أَعْمَالَ خَلْقِهِ، لِضِدِّ لَهُ، وَلَا نَدَّ لَهُ، وَلَا وَكْدَ لَهُ، وَلَا صَاحِبَةَ لَهُ وَلَا سَمِيَّ لَهُ، لِأَقْرَبِ لَهُ وَلَا كُفُوَ لَهُ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ، وَلَا نَظِيرَ لَهُ، وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ، وَلَا يُبْلَغُ مَبْلَغُهُ وَلَا يَقْدِرُ شَيْءٌ قُدْرَتَهُ، وَلَا يُدْرِكُ شَيْءٌ أَثَرَهُ، وَلَا يَنْزِلُ شَيْءٌ مَنْزِلَتَهُ، وَلَا يُدْرِكُ شَيْءٌ أَحْرَزَهُ، وَلَا يَحْوُلُ شَيْءٌ دُونَهُ.

هیچ کس نمی‌تواند از سخت‌گیری او سرپیچی کند و برای رهایی از کيفرش از دیگری یاری بطلبد و در برابر مکر او چاره‌جویی کند به [منتهای] دانش او نمی‌توان رسید و از فرمانروایی و سلطنت او نمی‌توان جلوگیری نمود و بر عزتش نمی‌توان غلبه کرد و بزرگمنشی او را نمی‌توان خوار و ذلیل نمود و به شکوه چیره او نمی‌توان رسید و عظمت او را نمی‌توان کوچک شمرد و بالندگی او از بین نمی‌رود، و پایه او فرو نمی‌ریزد و آهنگ قوت و نیروی او را نمی‌توان کرد، هم او که آفریده‌هایش را به شماره درآورده و از اعمال آن‌ها نگاه‌داری می‌کند، نه

ضدی برای او است و نه مشابهی، نه فرزندی دارد و نه همسری، نه هم‌نامی دارد و نه همتایی، نه نزدیکی دارد و نه شبیه و نظیری و هیچ‌کس نمی‌تواند سخنان او را تغییر دهد و هیچ‌چیز نمی‌تواند به جایگاه او برسد، یا اندازه قدرت او را درک کند [یا: بدان برسد]، یا نشانه او را درک کند یا به مقام و منزلت او برسد، و به چیزی که در حفظ او است نمی‌توان رسید و هیچ‌چیز نمی‌تواند او را از انجام چیزی جلوگیری کند.

بَنَى السَّمَاوَاتِ فَاتَّقَنَهُنَّ وَمَا فِيهِنَّ بِعَظَمَتِهِ، وَدَبَّرَ أَمْرَهُ فِيهِنَّ بِحِكْمَتِهِ، فَكَانَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، لَا بِأَوْلِيَّيَةِ قَبْلِهِ، وَلَا بِأَخْرِيَّةِ بَعْدَهُ، وَكَانَ كَمَا يَنْبَغِي لَهُ، يَرَى وَلَا يُرَى وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَعْلَمُ السِّرَّ وَالْعَلَانِيَةَ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَلا يَنْفَمَتِهِ وَاقِيَةٌ، يَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى، وَلَا تُحْصَنُ مِنْهُ الْقُصُورُ، وَلَا تُجَنُّ مِنْهُ السُّتُورُ، وَلَا تُكِنُّ مِنْهُ الْخُدُورُ، وَلَا تُوَارِي مِنْهُ الْبُحُورُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَيَكُلُّ شَيْءٌ عَلِيمٌ، يَعْلَمُ هَمَاهِمَ الْأَنْفُسِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَوَسَاوِسَهَا وَنِيَّاتِ الْقُلُوبِ، وَنُطْقَ الْأَلْسُنِ وَرَجَعَ الشَّفَاهِ، وَبَطَشَ الْأَيْدِي، وَنَقَلَ الْأَقْدَامَ، وَخَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَالسِّرَّ وَالْخَفَى، وَالنَّجْوَى وَمَا تَحْتِ الثَّرَى، وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، وَلَا يُفْرِطُ فِي شَيْءٍ، وَلَا يَنْسِي شَيْئًا لَشَيْءٍ.

بنا کرد آسمان‌ها را و آنها را نیکو بنا نهاد و آنچه در آنهاست با عظمت، و تدبیر نمود امرش را در آنها به حکمتش، پس شد آنگونه که شایسته اوست، نه به اول بودن و نه به آخر بودن بعد از او، و بود آنگونه که سزاوار بود او را، می‌بیند و دیده نمی‌شود، و او در دیدگاه بالاتر است، پنهان و آشکارا را می‌داند، و بر او چیز پنهانی پنهان نمی‌شود و نیست بازدارنده‌ای انتقامش را، سخت می‌گیرد سخت گرفتن بزرگی، و کاخ‌ها در برابرش مانع نمی‌گردند، و نمی‌پوشانند در برابر او پرده‌ها، و نه دیوارها می‌توانند چیزی را از دید او در خود جای دهند و نه دریاها می‌توانند چیزی را از او نماند و او بر هر چیز توانا و به هر چیز آگاه است و از اندیشه جان‌ها و آنچه دل‌ها در خود نماند و نیز از وسوسه دل‌ها و تصمیم‌های قلبی و نیز از گفتار زبان‌ها و به هم خوردن لب‌ها و گرفتن دست‌ها و گام برداشتن قدم‌ها و هم‌چنین از نگاه دزدیده و خیانت چشم‌ها، و از رازها و بلکه مخفی‌تر از آن و نیز از رازگویی‌ها و آنچه در زیر خاک است، اطلاع دارد و هیچ‌چیزی او را از چیز دیگر به خود مشغول نمی‌کند و در هیچ‌چیز کوتاهی نمی‌کند و هیچ‌چیز را به خاطر چیز دیگر فراموش نمی‌کند.

أَسْأَلُكَ يَا مَنْ عَظَمَ صَفْحُهُ، وَحَسَنَ صُنْعُهُ، وَكَرَّمَ عَفْوُهُ، وَكَثَّرَتْ نِعْمَتُهُ، وَلَا يُحْصَى إِحْسَانُهُ، وَجَمِيلُ بَلَاتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي الَّتِي أَفْضَيْتُ بِهَا إِلَيْكَ، وَقَمْتُ بِهَا بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنْزَلْتَهَا بِكَ، وَشَكَوْتُهَا إِلَيْكَ مَعَ مَا كَانَ مِنْ تَفْرِيطِي فِيهَا أَمْرَتِي بِهِ، وَتَقْصِيرِي فِيهَا نَهْيَتِي عَنْهُ. يَا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَيَا أُنْسِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ، وَيَا ثَقْتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَيَا رَجَائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ، وَيَا وِلْيِي فِي كُلِّ نِعْمَةٍ، وَيَا دَلِيلِي فِي الظَّلَامِ، أَنْتَ دَلِيلِي إِذَا انْقَطَعَتْ دَلَالَةُ الْأَدْلَاءِ فَإِنَّ دَلَالَتَكَ لَا تَنْقَطِعُ.

از تو درخواست می‌کنم ای خدایی که گذشتت بزرگ و کردارت زیبا و بخششت بزرگوارانه و نعمت فراوان است و نیکی‌ها و کردار زیباییات به شماره در نمی‌آید، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خواسته‌هایی را که پیش تو آورده و در پیشگاهت عرضه کرده و بر درگاهت فرود آورده و شکوه و گله‌گزاری نمودم، برآورده سازی، با وجود این‌که من در انجام دستورات کوتاهی می‌ورزم و در آنچه نهی کرده‌ای، مقصرم. ای روشنایی من در هر تاریکی و ای انیس من در هر هراس و ای مورد اعتماد در هر سختی و ای امید من در هر اندوه و ای سرپرست من در هر نعمت و ای راهنمای من در ظلمت‌ها، تویی راهنمای من آن‌گاه که راهنمایی راهنمایان به پایان می‌رسد؛ زیرا راهنمایی تو پایان نمی‌پذیرد.

لَا يَضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ، وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَابَيْتَ، أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْبَغْتَ، وَرَزَقْتَنِي فَوَقَّرْتَ، وَوَعَدْتَنِي فَأَحْسَنْتَ، وَأَعْطَيْتَنِي فَأَجَزْتَنِي، بِلَا اسْتِحْقَاقٍ لِذَلِكَ بِعَمَلٍ مِنِّي، وَلَكِنْ ابْتِدَاءً مِنْكَ بِكَرَمِكَ وَجُودِكَ، فَأَنْفَقْتُ نِعْمَتَكَ فِي مَعَاصِيكَ، وَتَقَوَّيْتُ بِرِزْقِكَ عَلَيَّ سَخَطِكَ، وَأَفْنَيْتُ عُمْرِي فِيهَا لِاتُّحِبُّ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ، وَرُكُوبِي مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ، وَكَيْسِي رَاكَ تَوْهَدَايْتَنِي كُنِي، گمراه نمی‌گردد و هرکس را که تو سرپرستی کنی [دوست بداری] خوار نمی‌گردد. نعمت خویش به صورت کامل و فراوان بر من ارزانی داشتی و به‌طور گسترده از روزیات برخوردار نمودی و وعده نیک به من دادی و عطا فراوان به من بخشیدی، بی‌آنکه من با عمل خویش استحقاق این‌ها را داشته باشم، بلکه تو خود با کرم و جود خویش، ابتدئاً [بدون درخواست من] این‌ها را به من ارزانی داشتی؛ ولی من نعمت را در معصیت و نافرمانی از تو صرف کردم و با بهره‌مندی از روزی تو، بر خشم و غضبت نیرو گرفتم و عمرم را در آنچه دوست نداشتی، سپری کردم و گستاخی من بر تو و نیز ارتکاب و تمایل به آنچه از آن مرا نهی نموده‌ای، وَدُخُولِي فِيهَا حَرَمْتَ عَلَيَّ أَنْ عُدْتُ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَكَمْ يَمْنَعُنِي عَوْدُكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ أَنْ عُدْتُ فِي مَعَاصِيكَ. فَأَنْتَ الْعَائِدُ بِالْفَضْلِ وَأَنَا الْعَائِدُ فِي الْمَعَاصِي، وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي خَيْرُ الْمَوَالِي لِعَبِيدِهِ وَأَنَا شَرُّ الْعَبِيدِ، أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي، وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِينِي، وَأَسْكُتُ عَنْكَ فَتَبْتَدِئُنِي، وَأَسْتَزِيدُكَ فَتَزِيدُنِي، فَبِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا لَكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، أَنَا الَّذِي لَمْ أَزَلْ أَسِئُ وَتَغْفِرْ لِي، وَكَمْ أَزَلْ أَنْعَرَّضُ لِلْبَلَاءِ وَتُعَافِينِي،

و اقدام به آنچه بر من حرام گردانیده‌ای که باز بر من تفضل نمایی، مانع از آن نشد که دوباره به سوی معصیت و نافرمانی از تو بازگردم. بنابراین، تویی خدایی که پی‌درپی تفضل می‌کنی و من پی‌درپی از تو نافرمانی می‌کنم و تو ای سرور من بهترین سرور و آقا برای بندگان و من بدترین بنده هستم. تو را می‌خوانم و اجابت می‌کنی و تو را می‌خوانم و عطا می‌کنی و خاموش می‌مانم و تو خود [نعمت را بدون درخواست] آغاز می‌کنی و از تو طلب زیادی می‌کنم و زیاده می‌بخشی، پس چه بد بنده‌ای هستم من برای تو ای آقا و مولای من! من همان کسی هستم که پیوسته بد می‌کنم و می‌آمرزی و بلا بر من عارض می‌گردد و عافیت می‌بخشی،

وَلَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّضْ لِلْهَلَاكَةِ وَتُنَجِّينِي، وَلَمْ أَزَلْ أَضِيعْ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي تَقْلُبِي فَتَحْفَظُنِي، فَرَفَعْتَ خَسِيسَتِي، وَأَقَلَّتْ عَشْرَتِي وَسَتَرْتَ عَوْرَتِي، وَلَمْ تَفْضَحْنِي بِسَرِيرَتِي وَلَمْ تُنْكَسْ بِرَأْسِي عِنْدَ إِخْوَانِي، بَلْ سَتَرْتَ عَلَيَّ الْقَبَائِحَ الْعِظَامَ وَالْفَضَائِحَ الْكِبَارَ، وَأَظْهَرْتَ حَسَنَاتِي الْقَلِيلَةَ الصَّغَارَ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ وَتَفْضُلًا وَإِحْسَانًا وَإِنْعَامًا وَاصْطِنَاعًا. ثُمَّ أَمَرْتَنِي فَلَمْ أَعْتَمِرْ، وَزَجَرْتَنِي فَلَمْ أَنْزَجِرْ، وَلَمْ أَشْكُرْ نِعْمَتَكَ وَلَمْ أَقْبَلْ نَصِيحَتَكَ، وَلَمْ أُوَدِّ حَقَّكَ، وَلَمْ أَتْرُكْ مَعَاصِيكَ، بَلْ عَصَيْتُكَ بِعَيْنِي وَلَوْ شِئْتَ لَأَعْمَيْتَنِي فَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِي،

و همواره دچار هلاکت می شوم و نجاتم می دهی و در طول شبانه روز پیوسته در اعمالم دچار تباهی می گردم و تو حفظم می کنی، بنابراین، تو بودی که من فرومایه را برتری بخشیدی و لغزشم را نادیده انگاشته و عیوبم را مستور نگاه داشتی و به واسطه [بدی] باطنم رسوا نساخته و نزد برادرانم سرافکنده نکردی، بلکه از روی منت، تفضل، احسان، بخشش و نیکی بر من، اعمال زشت و رسوایی های بزرگ مرا پنهان داشته و اعمال نیک اندک و کوچک مرا آشکار ساختی. با این وجود، به من دستور دادی و گوش به فرمانت نکردم و نهی کردی و [از انجام کار بد] خودداری نمودم و از نعمتت سپاسگزاری نکردم و نصیحتت را نپذیرفتم و حقت را ادا نمودم و معصیت را ترک نکردم؛ بلکه با چشمم از تو نافرمانی کردم در حالی که اگر می خواستی، می توانستی کورم بکنی و چنین نکردی،

وَعَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ لَأَصْمَمْتَنِي فَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِي، وَعَصَيْتُكَ بِبَدْيِي وَلَوْ شِئْتَ لَكَتَعْتَنِي فَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِي، وَعَصَيْتُكَ بِرَجْلِي وَلَوْ شِئْتَ لَجَدَمْتَنِي فَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِي، وَعَصَيْتُكَ بِفَرْجِي وَلَوْ شِئْتَ لَعَقَمْتَنِي فَلَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ بِي، وَعَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي وَلَمْ يَكْ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي فَعَفَوَكَ عَفْوَك. فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُقْرَبُ بِذُنُوبِي، الْخَاضِعُ لَكَ بِذُلِّي، الْمُسْتَكِينُ لَكَ بِجُرْمِي، مُقِرٌّ لَكَ بِجِنَايَتِي، مُتَضَرِّعٌ إِلَيْكَ، رَاجٍ لَكَ فِي مَوْفِي هَذَا، تَائِبٌ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمِنْ إِفْتِرَافِي وَمُسْتَعْفِرٌ لَكَ مِنْ ظُلْمِي لِنَفْسِي، رَاغِبٌ إِلَيْكَ فِي فَكَاحِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَمُبْتَهِّلٌ إِلَيْكَ فِي الْعَفْوِ عَنِ الْمَعَاصِي،

و با گوشم معصیت کردم در حالی که اگر می خواستی، می توانستی مرا کر و ناشنوا بگردانی و چنین نمودی و با دستم معصیت کردم در حالی که اگر می خواستی می توانستی دست مرا شل بکنی و چنین نکردی و با پایم از تو نافرمانی کردم در حالی که اگر می خواستی می توانستی پایم را قطع [یا: به بیماری جذام] مبتلا کنی و چنین نکردی و با شرمگاهم معصیت کردم در حالی که اگر می خواستی، می توانستی مرا عقیم بگردانی و چنین نکردی و با همه اعضا و جوارحم معصیت کردم در حالی که این پاداش تو از سوی من نبود پس عفو تو عفو است [خواستارم]. هان! اینک من همان بنده توام که به گناهم اقرار نموده و با خواری در برابر اظهار فروتنی نموده و به واسطه جرمم به درگاهت خاکساری می کنم، به جنایت خویش اعتراف نموده و به درگاهت تضرع می کنم

و در اینجا که قرار دارم، به تو امید بسته‌ام و از همه گناهان و ارتکاب [اعمال ناشایست] توبه می‌کنم و از ستم به خویش طلب آمرزش می‌نمایم و آرزومندم که مرا از آتش جهنم آزاد کنی و به درگاهت تضرع می‌کنم که از گناهانم درگذری،

طَالِبُ إِلَيْكَ أَنْ تُنَجِّحَ لِي حَوَائِجِي، وَتُعْطِيَنِي فَوْقَ رَغْبَتِي، وَأَنْ تَسْمَعَ نِدَائِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَتَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَشُكْوَايَ، وَكَذَلِكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ يَخْضَعُ لِسَيِّدِهِ، وَيَتَخَشَّعُ لِمَوْلَاهُ بِالذُّلِّ. يَا أَكْرَمَ مَنْ أَقْرَّ لَهُ بِالذُّنُوبِ، وَأَكْرَمَ مَنْ خُضِعَ لَهُ وَخُشِعَ، مَا أَنْتَ صَانِعٌ بِمَقَرِّ لَكَ بِذَنْبِهِ، خَاشِعٌ لَكَ بِذَنْبِهِ؟ فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ حَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ،

و درخواست می‌کنم که حوائجم را برآوری و افزون برخواسته‌ام به من عطا کنی و ندایم را بشنوی و دعایم را مستجاب گردانی و بر تضرع و گله‌گزاری ام رحم آری و این چنین بنده خطاکار در برابر آقای خود فروتنی می‌کند و با خاکساری در برابر مولایش اظهار افتادگی می‌کند. ای گرامی‌ترین کسی که همه در درگاه او اعتراف به گناه می‌کنند و ای ارجمندترین کسی که همه در برابر او اظهار فروتنی و افتادگی می‌کنند، با من که در درگاه تو به گناهانم اعتراف می‌کنم و با خاکساری فروتنی می‌نمایم، چه خواهی کرد؟ اگر گناهانم میان من و تو فاصله انداخته و مانع از آن شده است که بر من روی آوری و رحمت را بر من بگسترانی،

وَتُنزِلَ عَلَيَّ شَيْئًا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَتَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا، أَوْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا، أَوْ تَتَجَاوَزَ لِي عَنْ خَطِيئَةٍ، فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَعِزِّ جَلَالِكَ، وَمَتَوَجِّهُ إِلَيْكَ، وَمَتَوَسِّلُ إِلَيْكَ، وَمَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ، وَأَكْرَمِهِمْ لَدَيْكَ، وَأَوْلَاهُمْ بِكَ، وَأَطْوَعِهِمْ لَكَ، وَأَعْظَمِهِمْ مِنْكَ مَنَزِلَةً، وَعِنْدَكَ مَكَانًا، وَبِعِزَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، الَّذِينَ افْتَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ،

و بخشی از برکاتت را بر من فرود آوری و صدایم را به درگاهت برسانی، یا گناهانم را ببامری، یا از خطایم درگذری، هان اینک این من بنده توام که به روی [ذات، یا اسما و صفات] گرامی و سربلندی عظمت پناهنده شده و به تو روی آورده و توسل جسته‌ام، و به تو تقرب می‌جویم به واسطه پیامبرت که درود خداوند بر او و خاندانش باد محبوب‌ترین آفریدگانت نزد تو، و گرامی‌ترین شان در پیشگاهت، و شایسته‌ترین شان نسبت به تو، و فرمانبرترین آنان برای تو، و عظیم‌ترین آنها پیش تو از جهت منزلت و نزد تو از جهت جایگاه، و به عترتش که درود خداوند بر آنان باد هدایتگران هدایت یافته که طاعت شان را واجب نمودی،

وَأَمَرْتُ بِمُودَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ وُلَاةَ الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي فَهَبْ لِي نَفْسِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ لِأَقْوَةِ لِي عَلَى سَخَطِكَ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى عَذَابِكَ،

وَلَا غِنَى لِي عَنْ رَحْمَتِكَ، تَجِدُ مَنْ تُعَدُّبُ غَيْرِي، وَلَا أُجِدُ مَنْ يَرَحْمِنِي غَيْرَكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا طَاقَةَ لِي عَلَى الْجَهْدِ.

و به دوستی با آنان دستور داده‌ای و فرمانروایان بعد از پیامبرت قرار داده‌ای، به درگاهت نزدیکی می‌جویم. ای به خواری‌کشاننده سرکشان و ای سرافرازکننده خاکساران، تو انم به آخر رسید، پس همین لحظه و همین لحظه، به رحمت خویش وجود مرا به من ارزانی دار. خداوندا، من توان ایستادگی در برابر خشمت را ندارم و نمی‌توانم در برابر عذابت شکیباشم و از رحمت بی‌نیاز نیستم، تو غیر مرا می‌یابی که عذاب کنی ولی من کسی جز تو را نمی‌یابم که بر من رحم آرد و نمی‌توانم در برابر بلایت ایستادگی کنم و توان گرفتاری‌های طاقت‌فرسا را ندارم.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِسِرِّكَ، وَأَطْلَعْتَهُمْ عَلَى خَفِيِّكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ وَخَلَصْتَهُمْ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ وَأَصْفَيْتَهُمْ، وَجَعَلْتَهُمْ هُدَاةً مَهْدِيِّينَ، وَأَتَمَمْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ، وَعَصَمْتَهُمْ عَنْ مَعَاصِيكَ وَرَضِيْتَهُمْ لِخَلْقِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُمْ وَحَبَوْتَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ حُجْبًا عَلَى خَلْقِكَ، وَأَمَرْتُ بِطَاعَتِهِمْ عَلَى مَنْ بَرَأْتُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ فِي مَوْقِفِي الْيَوْمَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ خِيَارِ وَفْدِكَ.

به حق پیامبرت، حضرت محمد -درود خداوند بر او و خاندان او- و خاندان پاک او، از تو درخواست می‌کنم و به امامانی توسل می‌جویم که آنان را برای [حفظ] اسرار خود برگزیده و از وحیات آگاه گردانیده و برای حمل دانش خود برگزیده و پاک و پاکیزه ساخته و گزینش نموده و بی‌آلایش ساخته و هدایتگر و هدایت یافته و امانت‌دار وحیات قرار داده و از گناه بازداشته و برای آفریده‌هایت پسندیده‌ای و به دانش خود ویژه گردانیده و برگزیده و نعمت را به آنان ارزانی داشته و حجت خویش بر خلق قرار داده و به اطاعت از آنان دستور داده‌ای و متوسل می‌شوم به سوی تو در این جایگاهم امروز که مرا از بهترین وارد شوندگان بر خودت قرار دهی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ صُرَاخِي وَاعْتِرَافِي بِذَنْبِي وَتَضَرُّعِي، وَارْحَمْ طَرْحِي رَجُلِي بِفِنَائِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَنْ سَأَلَ، يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، يَا رَبَّ الْمُؤْمِنِينَ لِأَتَقَطَّعَ رَجَائِي، يَا مَنْنَانُ مَنْ عَلَى بِالرَّحْمَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ سَائِلَهُ لِأَتَرَدَّنِي خَائِبًا، يَا عَفُوَ اعْفُ عَنِّي، يَا تَوَّابُ تَبَّ عَلَيَّ وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيْتَنِي، فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر ناله و اعترافم به گناه و تضرع و افکندن توشه‌ام بر آستانه‌ات و راهی شدنم به سویت رحمت آر، ای گرمی‌ترین درخواست‌شدگان، ای بزرگی که برای گناه بزرگ به تو امید بسته می‌شود، گناه بزرگ مرا بیامرز، به راستی که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمزد. خداوندا، از تو خواهانم که مرا از آتش جهنم آزاد کنی. ای پروردگار مؤمنان، امیدم را قطع مکن، ای بسیار بخشنده بر من ببخش، ای مهربان‌ترین مهربانان. ای خدایی که درخواست‌کنندگان از خود را نومید نمی‌گردانی، مرا از درگاه خود مران، ای بسیار گذشت‌کننده از من درگذر، ای بسیار توبه‌پذیر توفیق توبه به من ده و توبه‌ام را بپذیر. ای مولای من، حاجت من از تو که اگر آن را به من عطا کنی، هرچه از من بازداری، ضرری به من نمی‌رساند و اگر آن را از من بازداری، هرچه به من عطا کنی سودی به حال من ندارد این است که مرا از آتش جهنم آزاد کنی.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَبِهِمُ الْيَوْمَ فَاسْتَنْقِذْنِي، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو، يَا مَنْ رَضِيَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ (تقولها عشرين مرة) وَأَسْأَلُكَ الْيَوْمَ الْعَفْوَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، هَذَا مَكَانُ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، هَذَا مَكَانُ الْمُضْطَرِّ إِلَى رَحْمَتِكَ، هَذَا مَكَانُ الْمُسْتَجِيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْكَ.

خداوندا درود و سلام مرا به روح محمد و آل محمد برسان و به واسطه آنان، امروز مرا نجات ده، ای خدایی که دستور گذشت داده‌ای، ای خدایی که در برابر گذشت پاداش [نیک] می‌دهی، ای خدایی که گذشت می‌کنی، ای خدایی که از گذشت خشنودی، ای خدایی که در برابر گذشت ثواب می‌دهی، گذشتت را خواستارم. (بیست مرتبه بگوید (الْعَفْوِ)) امروز گذشتت را خواستارم و نیز از هر خیری که علم تو آن را فراگرفته، از تو درخواست می‌کنم. این، جایگاه بنده بیچاره و نیازمند است، این جایگاه درمانده و نیازمند به رحمت تو است، این جایگاه پناه‌جوی به عفو از کيفرت می‌باشد، این جایگاه پناه‌آورنده به تو از تو است.

أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، يَا أَمَلِي، يَا رَجَائِي، يَا خَيْرَ مُسْتَعَاثٍ، يَا أَجْوَدَ الْمُعْطِينَ، يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَثِقَتِي، وَرَجَائِي وَمُعْتَمَدِي، وَيَا ذُخْرِي وَظَهْرِي وَعُدَّتِي وَغَايَةَ أَمَلِي وَرَغْبَتِي، يَا غِيَاثِي يَا وَارِثِي، مَا أَنْتَ صَانِعٌ بِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي فَرَعَتْ إِلَيْكَ فِيهِ الْأَصْوَاتُ.

از خشم و ناگهان در رسیدن کيفرت به خشنودیات پناه می‌برم. ای آرزو و امید من، ای بهترین فریادرس، ای بخشنده‌ترین بخشنده، ای کسی که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است. ای سرور و مولا و امید و مورد اعتماد و تکیه‌گاه من، ای ذخیره و پشتیبان و اندوخته و نهایت آرزو و خواسته من، ای فریادرس و ای وارث من، در این روز که به تو پناهنده شده‌ام و صداهای فراوان به سوی تو بلند است، با من چه خواهی کرد؟

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْلِبَنِي فِيهِ مُفْلِحًا مُنْجِحًا بِأَفْضَلِ مَا انْقَلَبَ بِهِ مَنْ رَضِيَ عَنْهُ،
وَأَسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ وَقَبِلْتَهُ وَأَجَزَلْتَ حِبَاءَهُ وَعَفَرْتَ ذُنُوبَهُ، وَأَكْرَمْتَهُ وَلَمْ تَسْتَبْدِلْ بِهِ سِوَاهُ وَشَرَّفْتَ مَقَامَهُ، وَبَاهَيْتَ
بِهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ، وَقَبَلْتَهُ بِكُلِّ حَوَائِجِهِ، وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَمَاتِ حَيَاةً طَيِّبَةً، وَخَتَمْتَ لَهُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَالْحَقَّقْتَ بِمَنْ
تَوَلَّاهُ.

از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در این روز مرا رستگار و کامیاب از درگاهت برگردان،
به بهترین صورت که از کسی شنود گردیده و دعایش را اجابت نموده و پذیرفته و عطای فراوان به او بخشیده
و گناهانش را آمرزیده و گرامی می‌داری و کس دیگر را به جای او بر نمی‌گزینی و مقامش را والا گردانیده و در
نزد افراد بهتر از او به او مباحثات می‌کنی و با برآوردن تمامی حوائجش از درگاهت برمی‌گردانی و بعد از مرگ
نیز او را به زندگانی پاکیزه زنده می‌گردانی و پایان کار او را به آمرزش پایان داده و به آنان که دوستش می‌دارد،
می‌پیوندی.

اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةً، وَلِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً، وَلِكُلِّ سَائِلٍ لَكَ عَطِيَّةً، وَلِكُلِّ رَاجٍ لَكَ ثَوَابًا، وَلِكُلِّ مُلْتَمِسٍ مَا عِنْدَكَ
جَزَاءً، وَلِكُلِّ رَاغِبٍ إِلَيْكَ هِبَةً، وَلِكُلِّ مَنْ فَرِعَ إِلَيْكَ رَحْمَةً، وَلِكُلِّ مَنْ رَغِبَ إِلَيْكَ زُلْفَى، وَلِكُلِّ مُتَضَرِّعٍ إِلَيْكَ إِجَابَةً،
وَلِكُلِّ مُسْتَكِينٍ إِلَيْكَ رَأْفَةً، وَلِكُلِّ نَازِلٍ بِكَ حِفْظًا، وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ إِلَيْكَ عَفْوًا، وَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ، رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ، وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي الْيَوْمَ أَخِيْبَ وَفِدِكَ، وَأَكْرِمْنِي بِالْجَنَّةِ،
وَمَنْ عَلَى الْمَغْفِرَةِ، وَجَمِّلْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ.

خداوندا هر واردشونده‌ای جایزه‌ای دارد و هر زیارت‌کننده‌ای کرامتی و هر درخواست‌کننده‌ای عطایی و هر
امیدواری ثوابی و هر درخواست‌کننده‌ای از تو پاداشی و هر گراینده‌ی به درگاهت هدیه‌ای و هر پناه‌جویی رحمتی
و هر خواهش‌کننده‌ای قرب و منزلت و هر تضرع‌کننده‌ی اجابتی و هر خاکساری‌رأفتی و هر فرودآمده‌ای از حق
حفظ و نگاه‌داری و هر توسل‌کننده‌ای از حق گذشتت برخوردار است و من به سوی تو آمده و در پیشگاهت
ایستاده‌ام، و در این مکانی که شرافت داده‌ای، به امید آنچه در نزد تو است و به شوق تو، پس امروز مرا از
نومیدترین واردشوندگان بر خود قرار مده، بلکه با بهشتت مرا گرامی دار و آمرزشت را به من ارزانی بدار و
زیبایم ساز با عافیت، و از آتش جهنم در پناه خود در آور و از روزی حلال و پاکیزه‌ات بر من بگستران، و شرّ
فاسقان عرب و عجم و شرّ شیطان‌های جنی و انسی را از من دور بدار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا، وَسَلِّمْنِي مَا بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِكَ حَتَّى تُبَلِّغَنِي الدَّرَجَةَ الَّتِي فِيهَا مُرَافَقَةُ أَوْلِيَائِكَ، وَأَسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِمْ مَشْرَبًا رَوِيًّا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَتَوَقَّئِي فِي حِزْبِهِمْ، وَعَرِّفْنِي وَجُوهَهُمْ فِي رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةِ، فَإِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ هُدَاهَا، يَا كَافِيَ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ،

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا نومید برمگردان و میان من و ملاقات با خود را سالم و بی‌گزند بدار تا این که مرا به پایه همدمی با دوستانت نایل گردانی، و با شرابی گوارا از حوض آنان به من بنوشانی به گونه ای که هرگز بعد از آن تشنه نگردم و مرا در زمره آنان محشور کن و جزو حزب و گروه آنان بمیران و در مقام رضا و بهشتت چهره آنان را به من بشناسان؛ زیرا که من از آنان به عنوان هدایت‌گر خشنودم. ای کفایت‌کننده هر چیز که هیچ چیز نمی‌تواند چیزی را از تو کفایت کند،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا أَحْذَرُ وَشَرَّ مَا لَا أَحْذَرُ، وَلَا تَكْلِنِي إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تَكْلِنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا إِلِي رَأْيِي فَيُعْجِزَنِي، وَلَا إِلِي الدُّنْيَا فَتَلْفِظَنِي، وَلَا إِلِي قَرِيبٍ وَلَا بَعِيدٍ، بَلْ تَفَرَّدْ بِالصُّنْعِ لِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَتَطَوَّلْ عَلَيَّ فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ.

بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از شر آنچه از آن پرهیز می‌کنم و یا نمی‌کنم، کفایت کن و به هیچ‌کس به جز خود وامگذار و آنچه را که به من روزی کرده‌ای مبارک گردان و کس دیگر را به جای من مگزین و مرا به آفریده‌هایت وامگذار و به نظر خودم واگذار مکن تا مبادا مرا ناتوان گرداند و به دنیا وامگذار تا مبادا مرا رها نموده و به دور بيفکند و به نزدیک و دور وامگذار، بلکه تنها به نیکی به من بپرداز ای سرور و مولای من، خداوندا، تو تو، امیدم در این روز جز از تو گسسته است، در این روز رحمت و آمرزشت را بر من ارزانی دار.

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الْأُمَّكِنَةِ الشَّرِيفَةِ، وَرَبِّ كُلِّ حَرَمٍ وَمَشْعَرٍ عَظُمَتْ قَدْرُهُ وَشَرَّفَتْهُ، وَبِالْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَبِالْحِلِّ وَالْإِحْرَامِ وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْجِحْ لِي كُلَّ حَاجَةٍ مِمَّا فِيهِ صَلَاحٌ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ وَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا، وَأَجْزِهِمَا عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ، وَعَرِّفُهُمَا بِدُعَائِي لَهُمَا مَا يَقْرَأُ أَعْيُنُهُمَا، فَإِنَّهُمَا قَدْ سَبَقَانِي إِلَى الْعَايَةِ وَخَلَفْتَنِي بَعْدَهُمَا، فَسَمِعْنِي فِي نَفْسِي وَفِيهِمَا وَفِي جَمِيعِ أَسْلَافِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي هَذَا الْيَوْمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خداوندا، ای پروردگار این مکان‌های شریف و پروردگار همه نقاط سرزمین «حرم» و «مشعر» که قدرش را بزرگ داشته و عظمت بخشیده، و به حق خانه محترم و سرزمین «حِل» و «حرم» و رکن کعبه و مقام [ابراهیم-درود بر او-]، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و همه حوایج مرا که صلاح دین، دنیا و آخرت من در آن

است، برآورد و من و پدر و مادر من و اجداد اعم از پدری و مادری مسلمان مرا بیامرز و بر پدر و مادر من رحمت آر همان گونه که آن دو در حال کودکی مرا پرورش دادند و بهترین پاداش را به آن دو عطا کن، و به واسطه دعای من آن دو را با چیزی آشنا کن که چشم‌هایشان بدان روشن گردد؛ زیرا آنان پیش از من به هدف رسیده‌اند، و تو مرا جانشین ساخته‌ای پس از آنان، پس در این روز، شفاعت مرا در رابطه با خودم و درباره آن دو و در مورد همه گذشتگانم از مردان و زنان مؤمن در این روز بپذیر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَرِّجْ عَن آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُمُ أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَأَنْصُرْهُمْ وَأَنْتَصِرَ بِهِمْ، وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ، وَبَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفِّنِي كُلَّ هَوْلٍ دُونَهُ، ثُمَّ اقسِمِ اللَّهُمَّ فِيهِمْ لِي نَصِيبًا خَالِصًا، يَا مُقَدِّرَ الْأَجَالِ، يَا مُقَسِّمَ الْأَرْزَاقِ، افسَحْ لِي فِي عُمْرِي، وَأَبْسُطْ لِي فِي رِزْقِي.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و از خاندان محمد اندوه‌گشایی کن و آنان را امامانی قرار ده که به حق رهنمون گردیده و به آن بازمی‌گرداند و آنان را یاری ده و به واسطه آنان دینت را یاری کن و به آنچه که به آنان وعده داده‌ای، وفا کن و مرا به پیروزی خاندان محمد نایل گردان و در راه رسیدن به آن از هر امر هولناک کفایت نما، سپس خداوندا بهره‌ای خالص و بی‌آلایش در رابطه با آنان برای من مقدر کن، ای مقدرکننده سرآمد عمر انسان‌ها و ای تقسیم‌کننده روزی‌ها، عمر مرا دراز و روزی‌ام را گسترده بگردان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَأَسْتَصْلِحْهُ وَأَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ، وَأَمِنْ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهٖ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَمُنْ بِهٖ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَرَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيَعَتِهِ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَأَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعًا، وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ، وَأَسْرِعِهِمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ، وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ، وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ، وَارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و امام ما را شایسته بگردان و امور ما را به او سامان ده و بیم او را و نیز بیم ما را بر او ایمن گردان و ای خدا او را یاور دینت قرار ده. خداوندا، به وجود او زمین را از داد و قسط آکنده کن، چنان‌که از ستم و جور پر است، و وجود او را بر فقرا و زنان بی‌شوهر و افراد بیچاره مسلمان منت نه و مرا از بهترین دوستان و شیعیان او بگردان، آنان که سخت شیفته اویند و به نحو شایسته از او اطاعت نموده و سرسپرده فرمان اویند و زودتر از همه به خشنودی او می‌شتابند و سخن او را می‌پذیرند و برای اجرای فرمان او به پا می‌خیزند، و شهادت در پیش روی او را به من روزی کن، تا این‌که در حالی که تو از من خشنودی، با تو ملاقات کنم.

اللَّهُمَّ إِنِّي خَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْوَالِدَ، وَمَا خَوَّلْتَنِي وَخَرَجْتُ إِلَيْكَ وَإِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي شَرَفْتَهُ، رَجَاءً مَا عِنْدَكَ، وَرَغْبَةً
إِلَيْكَ، وَوَكَلْتُ مَا خَلَفْتُ إِلَيْكَ، فَأَحْسِنْ عَلَيَّ فِيهِمْ الْخَلْفَ فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ،
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا
تَحْتَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

خداوندا من خانواده و فرزندان و آنچه را به من داده‌ای پشت سر گذاشتم و به سوی تو خارج شدم، و به سوی
این جایگاه که آن را شرافت بخشیده‌ای، به امید آنچه نزد تو است و به شوق تو، و سپردم آنچه را پشت سر
رها کردم به تو، پس برای من بر آنها جانشینی را نیکو مدار، که تو سرپرست آن هستی نسبت به آفریدگانت.
معبودی جز خداوند بردبار و کریم نیست، معبودی جز خداوند بلندپایه و بزرگ نیست. پاکا خدایی که پروردگار
آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آنها و آنچه در زیر آنها وجود دارد و پروردگار عرش
بزرگ است و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است.
ان است.